بررسی

نخست‌وزیران ایران بعد از مشروطه

جنبش مشروطه با خواست مشروطه‌کردن قدرت حاکمیت، تأسیس آزادی و حکومت قانون آغاز شد. این جنبش در مرحله اول با امضای فرمان مشروطه به دست مظفرالدین‌شاه قاجار در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ آغاز شد و تا دوره محمدعلی‌شاه قاجار برای تبدیل حکومت استبدادی به حکومت مشروطه ادامه یافت و منجر به تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب نخستین قانون اساسی کشور ایران شد. یکی از دلایل اهمیت دوره مشروطیت به‌عنوان یک دوره تاریخی جریان‌ساز به تغییر دستگاه سیاسی کذشته و تشکیل ساختار مظنم حکومتی و اداری بازمی‌کرد و تدوین قانون اساسی اولیه نیز در ایجاد این نظم اداری تأثیر چشمگیری داشت. در ایران تنا پیش از انقلاب مشروطه، مقام نخست‌وزیری را صدراعظم می‌نامیدند. در دوره قاجار صدراعظم خود به‌جای عنوان اعتمادالدوله در دوره صفویه به کار گرفته می‌شد. در دوره قاجار عزل و نصب صدراعظم محتمه به تصمیم شاه و عزل و نصب سایر وزرا به حکم شاه و تعیین صدراعظم بود. مردم از حکومت ملی محروم بودند و تمام اقتدارهای دولتی در شخص سلطان تمرکز یافته بود. در کشور قوانین وجود نداشت و علاوه‌بر قوه مجریه، اقتدار قوای مقننه و قضائیه نیز در اختیار پادشاه بود. با وقوع انقلاب مشروطه، مظفرالدین‌شاه، عین‌الدوله صدراعظم عصر استبداد، را عزل و مقام صدارت را به میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله، وزیر امور خارجه سپرد و فرمان مشروطیت را صادر کرد و امر صریح در تأسیس مجلس منتخبان ملت داد. اولین نخست‌وزیر نصرالله مشیرالدوله در ۱۲ مرداد ۱۲۸۵ هزماز‌ان با فرمان مشروطیت به مقام نخست‌وزیری رسید و در ۲۶ اسفند ۱۲۸۵ پس از هفت ماه و دوازده روز استعفا داد. از آن زمان تا پایان نظام پادشاهی مشروطه، در ایران ۷۵ نخست‌وزیر به قدرت رسیدند. بلندترین زمان نخست‌وزیری با نزدیک به ۱۳ سال در اختیار امیرعباس هویداست. او در بهمن ۱۳۴۳ به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب و جانشین حسنعلی منصور و در نیمه مرداد سال ۱۳۵۶ برکنار شد. کتاب مصور «نخست‌وزیران ایران» (۱۲۸۵-۱۳۵۷) در ۱۳۳۷ صفحه شرح نخست‌وزیران ایران از زمان اولین نخست‌وزیر مشروطه تا آخرین نخست‌وزیر ایران در زمان محمدرضا شاه پهلوی، شاپور بختیار است. این کتاب تاریخ سیاسی معاصر ایران است که در ۲۲ سال تاریخ ایران را بازگو می‌کند و علاوه‌بر معرفی نخست‌وزیران به شرح رویدادهای سیاسی و اجتماعی مهم این دوران می‌پردازد. این قسمت از دو اعتراض عمده مجلس که به نوبه خود به تدوین قانون اساسی انجامید. در دیماه ۱۳۸۵ سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی در پیشاپیش هزاران هزار مشروطه‌خواه تهران، در قلب شهر قصل‌الله نوری دیگر مجتهد ارشد نیز به آن دو پیوست. در همان هفته کروهی از بازرگانان اعلام کردند که به نوبه خود در اعتراض مخفی فعال بودند. به محل تابستانی سفارت بریتانیا در شمال تهران عزیمت کردند. سرانجام کمیته بازرگانه از شاه به فقط عدالتخانه بلکه تدوین یک قانون اساسی توسط مجلس ملی را درخواست کرد. دربار در مواجهه با یک اعتصاب عمومی، سیل تلگرام از ولایات، تهدید به مداخله نظامی از سوی جمعیت‌های مهاجر باکو و تبریز، وعده‌هایی به‌عنوان یک نظر شورا تهدید قزاق‌ها به فرار، عقب‌نشینی کرد. سه هفته پس از بامدادی نخستین کروه معترضان به سفارت بریتانیا، مظفرالدین‌شاه با صدور یک فرمان، برگزاری انتخابات سراسری برای گزینش مجلس مؤسسان را اعلام کرد. ۳۲ مرداد از آن زمان به‌عنوان سالروز انقلاب مشروطه گرامی داشته می‌شود.

نخست‌وزیران ایران (۱۲۸۵-۱۳۵۷)
باقر عاقلی
ناشر: جیبوتا با همکاری انتشارات بدرقه جاویدان
قیمت: ۳۳۰۰۰۰ تومان

جکیدهای از تاریخ انقلاب مشروطه و تا پایان حکومت پهلوی به دست می‌دهد. او علل و ریشه‌های مختلفی را زمینه‌ساز وقوع مشروطه می‌داند: دیکتاتوری مطلق شاه و ظلم و ستم و شقاوت شاه‌ارادتان بالافصل و افتادات وضعیت‌ناه و جابرانه والیان و حکام و عوامل حکومت؛ فشار بی‌حدوحصر به مردم و اموال مالیات‌های سنگین بدون توجه به درآمد کشاورزان، نوکران مراجع دینی و عدالتخانه برای رسیدگی به شکوایه مردم از مأموران دولتی و توتمندان؛ بذل و بخشش بی‌حساب بیت‌المال به درباریان و شاه‌ارادتان از طرف پادشاه؛ اخذ اجل وظیفه، مستمری، مداخل و پاداش از مردم. البته عواملی که به انقلاب مشروطه دامن زد فقط عوامل داخلی نبود و شرایط جهانی و قدرت‌های امپراتوری در اطراف ایران نیز در این رویداد نقش مهمی داشتند. سرعت سیر تمدن در اروپا که با جریان اطلاعات به داخل کشور منتقل می‌شد، نیز مردم را به فکر چاره‌اندیشی انداخت. در آن زمان روشنفکران ایرانی و بیشتر که در خارج از ایران منتشر می‌شد و مخابنه به ایران وارد و توزیع می‌شد در آگاهی مردم تأثیر بسزایی داشت. اولین عکس‌العمل مردم در برابر حکومت، مظالم‌ستیزی و تحریم تنباکو بود که به زعامت روحانیون به نتیجه رسید و شاه و حکومت در مقابل مردم عقب‌نشینی کردند. ناصرالدین‌شاه در سفر خود به اروپا امتیازات زیادی به دولت انگلستان داد که عبارت بودند از تأسیس تلگراف، تأسیس بانک، حفر معادن و بهره‌برداری از آنها، برقراری لاتاری و بالاخره اخذ امتیاز تنباکو. شورش مردم در تهران و شهرستان‌ها با انتشار و توزیع فتوای مرجعی شیرازی آغاز شد و مردم آن‌چنان در مقابل حکومت ایستادگی کردند که شاه ناچار قرارداد رژی و لاتاری را فسخ و ۶۰۰ هزار تومان غرامت آن را با استقراض از بانک شاهی و با گروگذاشتن گمرکات جنوب پرداخت کند. با روی‌کارآمدن مظفرالدین شاه وضعیت حکومت‌داری تغییری نکرد. در آبان ۱۳۸۴ و در ماجرای احتکار و افزایش قیمت قند و شوق بازرگانان به خلاف حجّ زکین و روس، حاکم تهران سعی کرد توجه افکار عمومی را با توپیخ و فلک‌کردن سه تاجر سرشناس منحرف کند. در نتیجه این رویداد کل بازار بسته شد و چند خواستار برکناری حاکم تهران شدند. این اعتراضات به‌سرعت تمام کشور را فراگرفت. این رویارویی راه را برای دو اعتراض عمده مجلس که به نوبه خود به تدوین قانون اساسی انجامید. در دیماه ۱۳۸۵ سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی در پیشاپیش هزاران هزار مشروطه‌خواه تهران، در قلب شهر قصل‌الله نوری دیگر مجتهد ارشد نیز به آن دو پیوست. در همان هفته کروهی از بازرگانان اعلام کردند که به نوبه خود در اعتراض مخفی فعال بودند. به محل تابستانی سفارت بریتانیا در شمال تهران عزیمت کردند. سرانجام کمیته بازرگانه از شاه به فقط عدالتخانه بلکه تدوین یک قانون اساسی توسط مجلس ملی را درخواست کرد. دربار در مواجهه با یک اعتصاب عمومی، سیل تلگرام از ولایات، تهدید به مداخله نظامی از سوی جمعیت‌های مهاجر باکو و تبریز، وعده‌هایی به‌عنوان یک نظر شورا تهدید قزاق‌ها به فرار، عقب‌نشینی کرد. سه هفته پس از بامدادی نخستین کروه معترضان به سفارت بریتانیا، مظفرالدین‌شاه با صدور یک فرمان، برگزاری انتخابات سراسری برای گزینش مجلس مؤسسان را اعلام کرد. ۳۲ مرداد از آن زمان به‌عنوان سالروز انقلاب مشروطه گرامی داشته می‌شود.

اندیشه

ملانصرالدینِ تفلیس؛ ملاحظات محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، ۱۹۰۶-۱۱ (۱۲۸۵-۱۲۹۰خ)

پوشش انقلاب مشروطه را بر بیرون مرزها

ژانت و کامران آقاری

کروه اندیشه: «ملانصرالدین» نام مجله‌ای فکاهی بود که در سال ۱۹۰۶ در تفلیس تأسیس شد. ملانصرالدین، نامی که برای این مجله انتخاب شد بود، شخصیتی افسانه‌ای است که در قفقاز بودند. آنها در بیشتر کشورهای خاورمیانه و قفقاز به‌عنوان یک فرد ظاهرا ساده‌لوح ولی باهوش معروف است. این مجله که به انتقاد از حکومت‌های ایران و عثمانی و همچنین خرافات و عادات مردم قفقاز و کشورهای اسلامی و موضوعات حساس اجتماعی مثل حقوق زنان با تجدد غربی می‌پرداخت، نقش مهمی در جنبش مشروطه ایران داشت و روی جلد اولین شماره خود «بیداری ملت‌های درخواب‌فرورفته مشرق‌زمین» را نشان می‌داد. این مجله ۲۵ سال منتشر می‌شد و سعی می‌کرد زبان مدرن را در قالب کاریکاتور و طنز سیاسی به مردم نشان دهد. مجله «ملانصرالدین» و پیوند عمیقی که با انقلاب مشروطه داشت، موضوع اثر جدید ژانت و کامران آقاری است. ژانت آقاری، پژوهشگر و استاد دانشگاه کالیفرنیا در رشته تاریخ است. کتاب‌های او درباره تاریخ اجتماعی ایران به‌ویژه در سال‌های انقلاب مشروطه به زبان انگلیسی منتشر شده، با استقبال و نقد و بررسی زیادی مواجه شده است. انقلاب مشروطه ایران، ۱۹۱۱-۱۹۰۶، انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه، زن و جنسیت از نگاه مشروطه، سیاست جنسی در ایران معاصر و فوکوی انقلاب ایران (به همراه کویین ب. اندرسون) از جمله آثار او هستند. آنچه در ادامه می‌خوانید ترجمه مطلبی است در ارتباط با کتاب در دست انتشار «ملانصرالدین تفلیس: ملاحظات محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، ۱۹۰۶-۱۱» که آقاری برای انتشار در اختیار «شرق» قرار داده است.

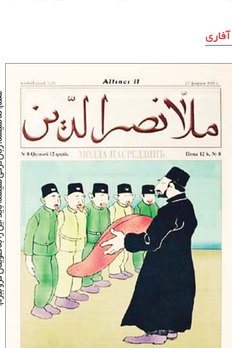

(روی جلد اولین شماره مجله «ملانصرالدین» که در تفلیس منتشر می‌شد)

پیشانی آدم هر چه دیده شده باشد هنگامی که در خواب بیند خواب می‌بیند

جلد شماره ۲۱ مجله «ملانصرالدین» که در تفلیس منتشر می‌شد

عنوان: «ملانصرالدین» (به معنی زبان درازها) و نام زبان درازها، نوروز بخدا زبان درازها به دل نگیرم

شاگرد: این دو مرد را شاگرد بکن، اجازه بدهید کمی نصیحت کنم

انگلیس و بریتانیا و بالکان (انگلیسها)، کی قدم بیرون بگذارید، اجازه بدهید کمی نصیحت کنم

بود که رویدادهای انقلابی در ایران را پوشش می‌داد. هنرمندان اصلی، اسکار اشمیرلینگ (۱۸۶۳-۱۹۳۸)، جوزف راتسر و عظیم عظیم‌زاده (۱۸۸۰-۱۹۳۳) از بنیان‌گذاران هنر کاریکاتور در قفقاز بودند. آنها در کنار هم نشریه‌ای خلق کردند که آوازهای فراتر از دستاورهای فردی هریک رفت و به ایجاد مکتب فکری طنز در ادبیات کشورشان انجامید. از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۳ (۱۲۸۵-۱۲۹۱) حدود ۳۷۰ شماره از «ملانصرالدین» در تفلیس منتشر شد. نشریه کار خود را در ۷ آوریل ۱۹۰۶ (۱۹ فروردین ۱۲۸۵) با شمارگان اندک ۱۰۰۰ نسخه در هفته آغاز کرد، اما طی یک ماه شمارگان آن به ۲۵ هزار نسخه در هفته رسید. در این رادیکال‌ترین مرحله کار نشریه، ملانصرالدین سیاست‌مداران، زمین‌داران و روحانیون قفقاز را به باد انتقاد می‌گرفت زندگی فلاکت‌بار زنان و کودکانی را به تصویر می‌کشید که از خفت و خواری فرهنگ شدیدا بدرسالار در رنج بودند؛ سیاست‌های استعماری و امپریالیستی قدرت‌های بزرگ را افشا می‌کرد و مرتبا خواستار دانستن حقوق ملت‌های کوچک‌تر در اظهارنظرهی‌کرد. نشریه با برگرفتن نام یک شخصیت مشهور زند، نیش اجتماعی-سیاسی خود را تیز کرد. در همان حال، مراقب بود که در معرض اتهام کفر و بی‌دینی قرار نگیرد، زیرا آن شخصیت زند به‌عنوان آدم کندذهنی مورد اقبال بود که هرآنچه به دهانش می‌آمد، می‌گفت.

ملانصرالدین در طول بیست‌وپنج‌ساله هستی‌اش در چند شهر منتشر شد. از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۷ در تفلیس چاپ شد. نشریه برای مدت کوتاهی به تبریز در ایران منتقل شد (۱۹۲۰-۲۱) تا از هرج‌ومرج جنگ داخلی روسیه برکنار باشد. انتشار نشریه طی سال‌های ۱۹۲۲-۱۹۳۱ در باکو و در قفقاز از سر گرفته شد که در آن زمان بخشی از جمهوری شوروی آذربایجان بود. میرزا جلیل و عمر فائق مجموعا بیش از ۱۰۰۰ مطلب- سته‌نامه، سرمقاله، داستان، ضرب‌المثل، چیستان و فکاهی و نیز آهنگ‌های محلی- نوشتند و ساختند.

نشریه همواره در خطر سانسور و مصادره بود. حکام قاجار از این کاهنامه بسیار دلخور بودند. چراکه شاه و سلطنت‌طلبان را به ریشخند می‌گرفت. آنها دستور سوزاندن روزنامه در مرزها و مصادره نسخه‌های آن در دفاتر پستی را دادند. روحانیون در قفقاز، ایران و حتی در نجف احادث آشکار این نشریه به نهادهای آنها خشمگین بودند و مرتب آن را محکوم می‌کردند (آریان‌پور ۱۹۷۲: ۲۰۵-۲۲۵). مقامات تزار هم از احیاء تمامت ارضی از آرمان‌های انقلابی در ایران ناخرسند بودند. درنتیجه، نشریه تا پیش از بروز جنگ جهانی اول، به‌گونه‌ای که نشریه سانسور یا تعطیل یا توسط مقامات ایرانی (در مرز) توقیف شود.

ملاحظات عمده ملانصرالدین

ملانصرالدین ملغمه‌ای از ایدئولوژی‌های بیشرو بود. نشریه به‌خودی‌خود نه منتقد سرمایه‌داری، بلکه زاده‌روی‌های آن بود و دیوان‌سالاری تزاری و نهادهای مذهبی را برای زندگی سخت و فلیرانه مردم نکوهش می‌کرد. زنان‌ستیزی و ایرانی‌ستیزی را از خاستگاه‌های اضافی از دهقانان و نوتوندمان را برای کمک‌نکردن کافی به امور خیریه سرخم می‌کرد. از قدرت‌های خاندان‌های بزرگ‌تر، میرزا حسن خان سپهسالار و امین‌الدوله را اصلاح‌گرایی بودند که کوشیدند بخشی از این تغییرات ضروری را ایجاد کنند. اما از آنجا که هم سیاست‌مداران محافظه‌کار و هم بدنه جامعه در مقابل این تغییرات به ایستادگی کردند یا هم‌اند نبودند، این اصلاحات به نتیجه مطلوب نرسید. ازاین‌رو، تعارضات اجتماعی-سیاسی و اقتصادی هر روز پیچیده‌تر و بی‌پاسخ‌تر باقی ماند. تعارضات به‌تدریج به بدنه جامعه منتقل شد و کلیت جامعه را به سوی انقلاب کشاند. درباره اینکه آیا می‌توان مشروطه را انقلاب نامید باید گفت که برخی از پژوهشگران با به‌کارگیری اطلاق برای مشروطیت موافق نبودند. اما از آنجایی که مفهوم انقلاب به معنی فکرهای همه‌جانبه است که باید گفت مشروطیت زمینه این دگرگونی‌ها را فراهم کرد. ازاین‌رو به‌کاربردن واژه انقلاب نادرست نیست. اما برای آنکه همه موافقان و مخالفان را بتوان پوشش داد می‌توان از واژه جنبش برای این تغییرات استفاده کرد.

شکل‌گیری انقلاب مشروطه حاصل تعارض سنت و مدرن در دوره قاجار بوده است. ابعاد گوناگون تغییرات جامعه‌ایران در این دوران بود. مهم‌ترین آنها، عبارت بود از: ۱. ورود سرمایه‌های خارجی به کشور زمینه‌های تغییراتی را در دوره قاجار فراهم کرد که از آن به‌عنوان ورود نوگرایی یا مدرنیسم به ایران یاد کرده‌اند. تحولات اقتصادی در آغاز به بدنه جامعه منتقل شد اما زمینه‌های دگرگونی اقتصادی را فراهم کرد. تغییرات اقتصادی زمینه دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی را به همراه داشت. ازاین‌رو می‌توان گفت جنبش مشروطه حامل دگرگونی‌های عمیق و همه‌جانبه در جامعه عصر قاجار بوده است. به دنبال تغییرات گوناگونی که در کشور ایجاد شد ضرورت ایجاد تغییرات سیاسی نیز فراهم شد. ازاین‌رو برخی از سیاست‌مداران اصلاح‌گرا به دنبال تغییرات سیاسی برآمدند. میرزا تقی‌خان امیرکبیر، میرزا حسین‌خان سپهسالار و امین‌الدوله از اصلاح‌گرایی بودند که کوشیدند بخشی از این تغییرات ضروری را ایجاد کنند. اما از آنجا که هم سیاست‌مداران محافظه‌کار و هم بدنه جامعه در مقابل این تغییرات به ایستادگی کردند یا هم‌اند نبودند، این اصلاحات به نتیجه مطلوب نرسید. ازاین‌رو، تعارضات اجتماعی-سیاسی و اقتصادی هر روز پیچیده‌تر و بی‌پاسخ‌تر باقی ماند. تعارضات به‌تدریج به بدنه جامعه منتقل شد و کلیت جامعه را به سوی انقلاب کشاند. درباره اینکه آیا می‌توان مشروطیت را انقلاب نامید باید گفت که برخی از پژوهشگران با به‌کارگیری اطلاق برای مشروطیت موافق نبودند. اما از آنجایی که مفهوم انقلاب به معنی فکرهای همه‌جانبه است که باید گفت مشروطیت زمینه این دگرگونی‌ها را فراهم کرد. ازاین‌رو به‌کاربردن واژه انقلاب نادرست نیست. اما برای آنکه همه موافقان و مخالفان را بتوان پوشش داد می‌توان از واژه جنبش برای این تغییرات استفاده کرد.

اما نظر شخصی من آن است که می‌توان واژه انقلاب را برای مشروطیت به کار برد؛ چراکه حقیقتا دگرگونی‌های همه‌جانبه‌ای در این دوران به وقوع پیوسته است. در واقع می‌توان گفت که مشروطیت بیرونی نوگرایی در جامعه‌ای پیشامدرن بود.

■ دستاوردهای انقلاب مشروطه چه بود؟ برخی آن را انقلابی شکست‌خورده می‌دانند و برخی با این نظر مخالف‌اند. نظر شما چیست؟

کسان بسیاری مشروطیت را پروژه‌ای شکست‌خورده می‌دانند و معتقدند که مشروطیت به وجود آمده دست نیافت. به کمان من در این دوران اجتماعی و سیاسی نمی‌توان نقطه‌ای را برای پیروزی یا شکست در نظر گرفت. انقلاب‌ها نیز عناصر تمامی تحولات اجتماعی و سیاسی در روند حرکتی خود به سمت اهدافشان پیش می‌روند. بنابراین به کمانی می‌توان مشروطیت هرچند در سال‌های پس از پیروزی نتوانست به‌تمامی به اهداف مورد نظر خود دست یابد، اما در مسیر حرکت دستاوردهای درخورتوجهی را به دست آورد. اگر برخواهم نظریه‌ای را برای این مقطع تاریخ ایران در نظر بگیرم می‌توانم از واژه هابرماس استفاده کنم و بگویم که مشروطیت پروژه‌ای ناتمام بود که در سال‌ها و دهه‌های بعد به سمت اهداف خود حرکت کرد. البته نمی‌توان گفت که به‌تمامی به همه اهداف خود دست یافت اما در حرکت‌های اجتماعی مسیر بیش از رسیدن به هدف اهمیت دارد زیرا در مسیر جامعه و دولت تجربه‌هایی ایجاد می‌کند که به دگرگونی‌های بیشتر در آینده کمک‌کننده است. انجامیدن به آن هدف‌ها در بلندمدت بود و نه آن دولت را می‌توان با دولت‌های قبل از مشروطه یکی دانست. در مسیر دگرگونی‌هایی رخ می‌دهد که مسیری تکاملی است و کرد انقلاب مشروطه حامل تعارض سنت و مدرن در دوره قاجار بوده است. ابعاد حقیقتا دگرگونی‌های همه‌جانبه‌ای در این دوران به وقوع پیوسته است. در واقع می‌توان گفت که مشروطیت بیرونی نوگرایی در جامعه‌ای پیشامدرن بود.

■ دستاوردهای انقلاب مشروطه چه بود؟ برخی آن را انقلابی شکست‌خورده می‌دانند و برخی با این نظر مخالف‌اند. نظر شما چیست؟

کسان بسیاری مشروطیت را پروژه‌ای شکست‌خورده می‌دانند و معتقدند که مشروطیت به وجود آمده دست نیافت. به کمان من در این دوران اجتماعی و سیاسی نمی‌توان نقطه‌ای را برای پیروزی یا شکست در نظر گرفت. انقلاب‌ها نیز عناصر تمامی تحولات اجتماعی و سیاسی در روند حرکتی خود به سمت اهدافشان پیش می‌روند. بنابراین به کمانی می‌توان مشروطیت هرچند در سال‌های پس از پیروزی نتوانست به‌تمامی به اهداف مورد نظر خود دست یابد، اما در مسیر حرکت دستاوردهای درخورتوجهی را به دست آورد. اگر برخواهم نظریه‌ای را برای این مقطع تاریخ ایران در نظر بگیرم می‌توانم از واژه هابرماس استفاده کنم و بگویم که مشروطیت پروژه‌ای ناتمام بود که در سال‌ها و دهه‌های بعد به سمت اهداف خود حرکت کرد. البته نمی‌توان گفت که به‌تمامی به همه اهداف خود دست یافت اما در حرکت‌های اجتماعی مسیر بیش از رسیدن به هدف اهمیت دارد زیرا در مسیر جامعه و دولت تجربه‌هایی ایجاد می‌کند که به دگرگونی‌های بیشتر در آینده کمک‌کننده است. انجامیدن به آن هدف‌ها در بلندمدت بود و نه آن دولت را می‌توان با دولت‌های قبل از مشروطه یکی دانست. در مسیر دگرگونی‌هایی رخ می‌دهد که مسیری تکاملی است و

میرزا جلیل

جمیده قادم (مجید قادم)

میرزا جلیل جلو بایستگی غربی به سرزمین اجدادی خود دادست، در خاطراتش می‌گوید:

من در شهر نخجوان به دنیا آمدم که در پنج، شش فرسنگی (۳۰-۳۶ کیلومتر) روددخانه ارس و ۲۰ فرسنگی (۲۴۰ کیلومتری) روستای جلفاست. این اینجا عامداته نام «ارس» و «جلفا» را می‌آورم، زیرا روددخانه ارس نمایانگر مرز مشترک (ما) و جلفا دفترِ کمرک بین ما و ایران است و من به دو دلیل به پیوند خود با این رود و این منطقه می‌بالم. نخست، زیرا ایران زادگاه پدربزرگ من است و دوم اینکه ایران در جست به مدعیی‌بودنش شهره است. من همواره مفتخر و مسرور بودم که در همسایگی چنان سرزمین مقدسی زاده شدم (به‌نقل از ج ۵، ص ۹۹، در رضازاده ملک ۱۹۷۹،۵۷).

ملانصرالدین به ملاحظات خوانندگانش در ایران اهمیت می‌داد، به‌ویژه آنهایی که در استانِ آذربایجان زندگی می‌کردند. نشریه احساسات و دلتنگی زیادی به ایران ابراز می‌کرد. اما خشم زیادی نیز نسبت به آداب و رسوم فرهنگی ایرانیان نشان می‌داد؛ مسئله‌ای که در تعارض با مدرنیت بود و به‌دلیل پیوند آنها با قفقاز مانعی بر سر راه پیشرفت اجتماعی در آنجا بود. این احساس سرخوردگی، ضمن آنکه هنوز شکل کاملی از ایران هویت قومی- ملی آذری در قفقاز نیافته بود، بالاخره کامی مقدماتی در آن مسیر بود.

در صفحات ملانصرالدین، نثر یا نظم، واژه «وطن» یا خانه پدری تقریبا همواره اشاره‌ای به ایران نه‌چندان به‌مثابه یک مکان، بلکه به‌عنوان یک محل وقوع و حالت ذهنی بود. به بهترین شکل شرح در بسیاری از مقالات، شعرها و تصاویری نشان می‌داد که درباره انقلاب مشروطه ایران نوشته و کشیده می‌شد، انقلابی که در تابستان ۱۹۰۶ (۱۲۸۵) آغاز شد و در ۱۹۱۱ (۱۲۹۰) پایان یافت.

نقد اجتماعی بی‌امان ملانصرالدین بعضا از موقعیت نسل دومی یا سومی نویسندگان آن می‌آمد که اتباع مسلمان تحت استعمار روسیه محسوب می‌شدند. اما این بازتابی از غوطه‌وری عمیق نویسندگان آن در فرهنگ روس نیز بوده که شماری از آنها، ازجمله میرزا جلیل، نیمه‌نوکر و حق-وریف دست‌اندرکار ترجمه آن به زبان آذری بودند. ازجمله این تاثیرگذارها، نیکلای گوکول (۱۸۰۹-۱۸۵۲) بود که فساد روسی، نشریه متفقد جست حزب اعتدالیون بود. اما از سازش سوسیال‌دموکرات‌هایی همچون رسول‌زاده و نشریه ایران نو با تشکیلات مذهبی نیز انتقاد می‌کرد.

شرایطی که مقاله‌نویس تعهدات‌شان به نشریه را دنبال می‌کردند بسیار دشوار بود. بیشتر آنها متأهل بودند و بستگی چند خانواده‌ای پُرجمعیتی داشتند. کار برای روزنامه‌ای رادیکال دقیقا بهترین روش برای کسب معاش خانواده‌هایشان نبود. ماهیت نشریه‌شان آنها را در معرض همه نوع طعنه و اعلام عمومی و نیز تنگنای اقتصادی قرار می‌داد. آنها دشواری‌های بزرگی را در طول جنگ جهانی اول، انقلاب روسیه در ۱۹۱۷ و جنگ داخلی روسیه تجربه و تحمل کردند. تقریبا همه زیر نگاه مراقب دولت و سانسور در دوران زیرک‌های تزاری و شوروی بودند، برخی زندانی شدند. درحالی‌که دیگران از پیگرد گریختند. در جهانی قفقاز دارواهای مدرن، به همه‌گیری‌های از قبیل وبا، آبله و سل دچار شدند. بعضی از آنها با مرگ تراژیک فرزندان و خویشان‌شان نیز بر اثر افسردگی، دلتنگی به ازیادرآمدن صورت گرفت. برخی همچون میرزا جلیل، از بخت خوش پیش از آن مردند که فشار شدید سیاست سرکوب شوروی آشکار شود. معدودی تا دوران کهنسالی زنده ماندند و برای بقا راه سازش را برگزیدند و شوروی در پیش گرفتند. دیگران بر اثر حمله قلبی و افسردگی مردند یا در تصفیه‌های استالینی یا همه‌گیری‌های اتری از آنها باقی نماند.

ژوئیه ۲۰۲۰

منابع در دفتر روزنامه موجود است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- این نیز موضوع یکی از داستان‌های کوتاه میرزا جلیل «استاد زنبال» بود (چ‌مق، ۷۰-۸۷).

۲- حمیده محمد-قلی‌زاده (۲۰۰۰)، مونس روزهای زندگی: خاطراتم درباره میرزا جلیل، محمدقلی‌زاده، سردبیر مجله ملانصرالدین، ترجمه دلیر ابراهیم‌زاده، تهران: انتشارات پژوهنده).

۳- ازجمله آنها، صوراسرافیل تهران (۱۹۰۷-۱۹۰۸)/۱۲۸۶-۱۲۸۷)، آذربایجان تبریز (۱۹۰۷) (۱۲۸۶) و نسیم شمال رشت (۱۹۱۱-۱۹۰۷) (۱۲۸۶-۱۲۹۰) بودند.

۴- دیگر نشریات، حشرات ارض (تبریز، ۱۹۰۸)/۱۲۸۷)، نُهلول (تهران ۱۹۰۸) (۱۲۸۷)، و شیخ جغدنر (تبریز، ۱۹۱۱) بودند. نکاته قید به جوانسیر ۲۰۱۲، ۱۵۸، این کتاب ترجمه انگلیسی حاشیات حمیده‌خانم توضیح حسن جناری و ویلیام فلور است که شامل حاشیای مفصل و چند مقاله جامع در مورد میرزا جلیل است.

۵- برای بحث مفصل‌تر کمک دهخدا به ادیت مدرن ایران نگاه کنید به دهخدا ۲۰۱۶ و مقدمه ز. آقاری و جان ر. پری بر این کتاب.

بررسی

خطابه‌های تقی‌زاده درباره مشروطیت

سیدحسن تقی‌زاده (۱۲۵۷ - ۱۳۴۸) از رهبران انقلاب مشروطه و از شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی تاریخ معاصر ایران است. در میان رجال سیاسی عصر مشروطه تقی‌زاده از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. وی تنها کسی است که در برپایی قیام مشروطه، هواداری از مردم‌سالاری و مخالفت با سلطنت رضاخان پهلوی، سبب پیوستن او به نظام حکومتی رضاشاه و ماجرای تجدید ارتباط نفت ایران و انگلیس در سال ۱۹۳۳ (۱۳۱۲ شمسی) و ادامه فعالیت دیپلماتیک و سیاسی او در دوره سلطنت محمدرضاشاه پهلوی این موقعیت ویژه را به او بخشید است. تقی‌زاده از جمله رجال سیاسی بحث‌برانگیز دوران قاجار و پهلوی است و نظرات او موافقان و مخالفان زیادی دارد. تاکنون آثار زیادی درباره تقی‌زاده انتشار یافته اما جنبه‌هایی از زندگی سیاسی و همچنان کمتر شناخته شده و موضوع مجادلات سیاسی است. کتاب «مشروطیت از زبان تقی‌زاده» که تازگی منتشر شده، مشتمل بر سه سخنرانی تقی‌زاده درباره مشاهدات او از مشروطیت (تا پایان استبداد صغیر) است. تقی‌زاده در سه خطابه‌ای که در این کتاب آورده شده، به انتقادهایی که از او به دلیل تحصن در سفارت انگلیس شده، به‌ویژه به احمد کسروی در کتاب «تاریخ مشروطه ایران» پاسخ می‌دهد. سپس یادآور می‌شود که بسیاری از مطالب کتاب کسروی درست نیست چون کسروی شخصا شاهد این حوادث نبوده و آنها را از زبان دیگران شنیده است. همچنین وی به کسانی که به او اتهام هواداری از انگلیس می‌زنند، پاسخ می‌دهد. هدایت سخنرانی تقی‌زاده در باشگاه مهرگان، نگاه کوتاهی به زندگانی سیاسی تقی‌زاده، تقی‌زاده از نگاه دیگران و پاسخ تقی‌زاده به اتهامات از مباحث مطروحه در این کتاب هستند. این سخنرانی‌ها در واقع مشاهدات شخصی تقی‌زاده از جریان انقلاب مشروطه است و از آنجا که تقی‌زاده جمع اجل المکتوبی درباره تاریخ انقلاب مشروطه ایران نوشته این اثر می‌تواند آگاهی‌های سودمندی درباره تاریخ مشروطیت به دست دهد.

تقی‌زاده پس از بیروزی آزادی‌خواهان و افتتاح دوره یکم مجلس شورای ملی، به نمایندگی از سوی طبقه اصناف تبریز انتخاب شد. از همان آغاز کار مجلس، توجه همکان را به خود جلب کرد و در مدت کوتاهی، رهبری جناح افراد روشنفکر، تجددخواه و تندرو مجلس را به دست گرفت که طرفدار تغییرات و اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود و انتقادهای تندی از نظام استبدادی به عمل می‌آورد. توانایی‌هایی که تقی‌زاده در این دوره از خود بروز داد، موجب شد تا بنکار افرادی همچون حاج سیدعبدالله و میرزا حسن‌خان مشیرالدوله (حسن پیرنیا) عضو هیئتی شود که از طرف مجلس، مأمور تدوین متمم قانون اساسی مشروطه شد. بر پایه همین متمم بود که حکومت مشروطه تعریف و تفکیک قوای سه‌گانه و حقوق ملت مجسّل شد و در جریان گفت‌وگوهای همین هیئت بود که دیدگاه‌های تهیه‌کنندگان متمم قانون اساسی در باب مزر میان شرع و عرف آشکار شد. نطق‌های تند و پرشور او در مجلس، از سویی باعث اشتهار او شد و نطق روزنامه‌ها و نیز مأموران سفارت‌خانه‌های خارجی نی‌نفع در ایران را به سوی وی جلب کرد و از سوی دیگر خشم و کینه محمدعلی‌شاه و درباریان و استبدادخواهان را برانگیخت. در جریان به‌توپ‌بستن مجلس و بوقرای استبداد صغیر، محمدعلی‌شاه شخصا دستور داد که تقی‌زاده را دستگیر کنند؛ اما تقی‌زاده و گروهی دیگر به دام مأموران

مشروطیت از زبان تقی‌زاده
سیدحسن تقی‌زاده
به کوشش محمود تبریزی‌سنجابی
ناشر: هزاره سوم اندیشه
قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

محمدعلی‌شاه نیفتادند. جمعی که تقی‌زاده و علی‌اکبر دهخدا از جمله آنان بودند از بیم جان به سفارت بریتانیا در تهران پناهنده شدند. این عمل از جانب مخالفان و منتقدان تقی‌زاده یکی از نقاط ضعف سیاسی و حتی واکنشی او به خراجان تبعید شده است. متن مکاتبات تقی‌زاده با علی‌قلی‌خه مافاه محترمه تبریز در زمان استبداد صغیر نشان می‌دهد تقی‌زاده در عقاید علی‌قاپانه‌ای بسیار سرخت بود و فریب وعده‌های بیگان